

رازداری پزشکی؛ مطالعه تطبیقی میان اصول اخلاق پزشکی و آموزه های اخلاق اسلامی

سعید نظری توکلی^۱، نسرين نژادسروري^{۲*}

مقاله ی مروری

چکیده

رازداری یکی از قواعد کهن حرفه ی پزشکی است که ضمن تأثیر بر چگونگی رابطه ی میان پزشک و بیمار، تأمین کننده ی منافع فردی بیمار و پزشک و همچنین مصالح اجتماعی است. در آموزه های دینی نیز ضمن تأکید بر وجوب رازداری، افشاکننده ی راز به دلیل ارتکاب گناه کبیره، سزاوار مجازات اخروی دانسته شده است. امروزه، با ابداع روش های نوین تشخیصی و درمانی و گستردگی دامنه ی اطلاع رسانی، زمینه ی افشای راز بیماران بیش از پیش فراهم شده است.

این مقاله ی مروری حاصل یک مطالعه ی توصیفی است. برای جمع آوری اطلاعات از مطالعه ی کتب معتبر و جست و جو در منابع اینترنتی و مقالات مرتبط استفاده شد. پس از توضیح مفاهیم و مبانی رازداری در اخلاق پزشکی، هم چنین اخلاق فضیلت گرای اسلامی، در بررسی تطبیقی، اشتراک ها و تفاوت های این دو دستگاه اخلاقی در مسأله ی رازداری بررسی و تبیین می شود.

صرف نظر از تأکید آموزه های اخلاق پزشکی و اخلاق اسلامی بر ضرورت حفظ رازداری در جلب اعتماد عمومی، رازداری در اخلاق اسلامی به واسطه ی در بر گرفتن دو حوزه ی راز خود و راز دینی، افزون بر راز دیگری، از گستردگی بیش تری برخوردار بوده و فرد رازدار به واسطه ی امانتداری، از پاداش اخروی هم بهره مند خواهد شد. هم چنین، در اخلاق پزشکی، تنها رفتار کادر درمانی مورد ارزیابی قرار گرفته و به انگیزه و حالات نفسانی آنان توجهی نمی شود، اما در اخلاق اسلامی، از آن جهت که ویژگی های نفسانی افراد مورد ارزیابی اخلاقی قرار می گیرد، رازداری امری پایدارتر بوده و بدون هیچ گونه نظارت خارجی کارایی خود را حفظ خواهد کرد.

واژگان کلیدی: رازداری، رازداری پزشکی، اخلاق پزشکی، اخلاق اسلامی

^۱ استادیار؛ دانشکده الهیات دانشگاه تهران

^۲ دانشجوی PhD اخلاق پزشکی، مرکز تحقیقات اخلاق و حقوق پزشکی، دانشگاه علوم پزشکی شهید بهشتی، مجتمع بیمارستانی امام خمینی (ره)، دانشگاه علوم پزشکی تهران

* نشانی: تهران، مجتمع بیمارستانی امام خمینی (ره)، تلفن: ۰۰۹۱۲۷۹۹۳۷۹۸، Email: n-nejadsarvari@farabi.tums.ac.i

مقدمه

سلامت والاترین هدیه‌ی خداوند به انسان‌هاست و پزشک از آن رو که حافظ این نعمت است، در جوامع مختلف، از قدر و منزلت ویژه‌ای برخوردار است.

پزشکی نه تنها یک علم، بلکه یک هنر است و پزشک موفق، پزشکی است که افزون بر داشتن اطلاعات علمی به روز و کافی؛ هنر درمانگری خود را از طریق ارتباط مؤثر با بیمار نشان دهد (۱). رعایت قاعده‌ی رازداری پزشک نسبت به بیمار با ایجاد حس اعتمادسازی، مهم‌ترین زمینه‌ی ایجاد این ارتباط است (۲).

رازداری یکی از اصول و قواعد کهن حرفه‌ی پزشکی است که از روزگار قدیم تاکنون همواره مورد توجه جامعه پزشکی بوده است (۳). در سده‌ی چهارم پیش از میلاد، اصل رازداری در بخشی از سوگندنامه‌ی بقراط به‌عنوان یکی از اصول مهم در تنظیم رابطه‌ی پزشک و بیمار مطرح شده و درباره‌ی آن چنین آمده است: آنچه در جریان طبابت یا در خارج از آن درباره‌ی زندگی مردم بشنوم یا ببینم که نباید فاش شود، من هم به‌عنوان راز آن را فاش نمی‌کنم (۴).

در صورتی که بیمار بداند که اطلاعاتش توسط پزشک حفظ نخواهد شد، از مراجعه به وی ممانعت ورزیده و در صورت لزوم هم اگر مجبور به مراجعه شود، مسلماً شرح حال کاملی از مشکلاتش را بیان نخواهد کرد، متعاقباً پزشک هم تشخیص درست را نگذاشته و درمان مسیر صحیح خود را طی نمی‌کند و این، چیزی جز ادامه‌ی درد و رنج بیمار را به‌دنبال نخواهد داشت. امیرالمؤمنین علیه السلام، ضمن اشاره به همین مطلب، می‌فرماید: «هرکس بیماری خود را از پزشک پنهان کند، به بدن خود خیانت کرده است (۵)، هرکس درد نهان خود را پنهان کند، پزشکش از درمان آن ناتوان است (۵)».

به هر حال، با همه‌ی ارزش و نقشی که رعایت اصل

رازداری در تنظیم رابطه‌ی پزشک و بیمار دارد و انتظار می‌رود توسعه‌ی مفاهیم اخلاقی در جامعه‌ی پزشکی، پابندی کادر درمانی به آن را بیش‌تر کند، اما پیشرفت علم پزشکی و ابداع روش‌های نوین تشخیصی و درمانی، هم‌چنین، گسترده‌ی دامنه‌ی اطلاع‌رسانی، زمینه‌ی افشای راز بیمار را بیش از پیش فراهم کرده است. آزمایش‌های ژنتیکی و مطالعه‌ی ژن‌های انسانی، بی‌توجهی وسایل ارتباط جمعی به حفظ حریم خصوصی افراد، ثبت الکترونیکی پرونده‌ی بیمار و انتقال اطلاعات آن توسط دورنگار و شبکه‌ی اینترنت، تله‌مدیسن، بررسی پرونده‌ی بیمار توسط افراد غیرمؤثر در درمان، تهیه‌ی اسلایدهای آموزشی از بیماران در بیمارستان‌های آموزشی، راندهای آموزشی جمعی در مراکز آموزشی درمانی، سبب آشکار شدن رازهای آنان شده است (۶).

اهمیت چنین مسأله‌ای نویسندگان را واداشت تا در یک مطالعه‌ی تطبیقی، ابتدا رازداری را به‌عنوان یکی از اصول اخلاق حرفه‌ای در اخلاق پزشکی مورد بررسی قرار داده، سپس مبانی آن را در منابع معتبر دینی جست‌وجو کنند و از ره‌آورد آن، افزون بر شرح و توضیح یکی از اصول اخلاقی حاکم بر درمان بیماران، زمینه‌ی توسعه‌ی یکی از فضایل برجسته‌ی اخلاقی مورد اهتمام دین مبین اسلام را فراهم کنند.

مفهوم‌شناسی

1- مفهوم‌شناسی لغوی

در متون لغوی فارسی برای واژه‌ی راز این معانی بیان شده است: سرّ، رمز، آنچه در دل نهفته است، چیزی که باید پنهان داشت یا به اشخاص خاص گفت (۷). در زبان عربی نیز واژه‌ی سرّ که کاربردهای فراوانی در آیات قرآنی و احادیث دارد به معنای چیزی است که انسان آن را در درون خود پنهان می‌کند؛ السرّ ما اکتمته فی نفسک و اخفی (۸) و به همین خاطر خداوند خود را دانای نهان و آشکار می‌داند. بر این اساس، رازداری به عمل شخص رازنگه‌دار گفته می‌شود که

ممکن است صرفاً ناشی از خباثت نفس باشد و به هر حال مذموم و مورد نهی است» (۱۶). کتمان سر از واجبات مورد تأکید اسلام شمرده شده و افشاکننده‌ی آن به دلیل ارتکاب گناه کبیره، سزاوار مجازات است (۱۷).

روش کار

این مطالعه‌ی توصیفی به مقایسه‌ی مبانی رازداری در اخلاق پزشکی و اخلاق اسلامی می‌پردازد. برای جمع‌آوری اطلاعات از کتب مرجع و معتبر فارسی، انگلیسی و عربی در حوزه‌ی اخلاق زیستی پزشکی و اخلاق اسلامی و منابع معتبر اینترنتی با استفاده از کلیدواژه‌های comparative study و confidentiality justification of confidentiality، استفاده شد. اطلاعات حاصل، دسته‌بندی و پس از توضیح مفاهیم و مبانی رازداری در اخلاق پزشکی و همچنین اخلاق فضیلت‌گرای اسلامی، در بررسی‌ای تطبیقی، اشتراک‌ها و تفاوت‌های این دو دستگاه اخلاقی در مسأله‌ی رازداری بررسی و تبیین شد.

طرح مسأله

۱- رازداری و جایگاه آن در اخلاق پزشکی

۱-۱- رازداری و تعهد پزشک به حفظ آن: تعهد پزشک به حفظ اطلاعات بیمار یکی از ارکان اساسی اخلاق پزشکی است. رازداری عنصر اصلی تمام سوگندنامه‌های کهن بوده است. رازداری به‌عنوان مسؤولیت مقدس در بخشی از سوگندنامه‌ی بقراط ذکر شده است (۴)؛ اما در سوگندنامه‌ی Montpellier قرن ۱۹ میلادی، حوزه‌ی رازداری به‌طور گسترده‌تری لحاظ شده و با تأکید بر حفظ حریم خصوصی بیماران، این چنین بیان شده است: «چشمان من اسرار خانه‌هایی را که در آن‌ها وارد می‌شوم نخواهند دید و زبان من اسراری را که به من می‌سپارند فاش نخواهد کرد و رفتار من هیچ‌گاه موجب تسهیل بدکاری، تبهکاری و جنایت نخواهد شد» (۳). اهمیت اطلاعات ارائه‌شده توسط بیمار به پزشک تا آن میزان است که اهوازی (ابوالحسن علی بن عباس مجوسی،

رازی با خود دارد، از سرّی نگه‌داری کرده یا امانت‌داری می‌کند (۷). در برخی از منابع حقوقی، «سرّ» چنین تعریف شده است: «امری که نوعاً داعی بر اخفاء آن داشته باشند» (۹). در زبان انگلیسی هم، واژه‌ی confidentiality به معنای محرمانگی از کلمه‌ی confidence به معنای اعتماد به راز نگه‌داری دیگری مشتق شده است (۱۰).

۲- مفهوم‌شناسی اصطلاحی

۲-۱- رازداری در اخلاق پزشکی: تردیدی نیست که رازداری قاعده‌ای اساسی در رابطه‌ی پزشک و بیمار است که تأمین‌کننده‌ی منافع فردی بیمار و پزشک و همچنین مصالح اجتماعی آنان است (۱۱). در برخی کتب اخلاق پزشکی رازداری به این معانی به‌کار رفته است:

حفاظت از اطلاعات خصوصی بیمار و عدم افشای آن‌ها بدون رضایت وی (۱۲)؛ جلوگیری از افشای مجدد رازی که در یک ارتباط محرمانه فاش شده است، ارتباطی که در آن فرد رازگو (بیمار) از فرد رازدار (پزشک) به‌طور مقبول توقع دارد رازش را بدون رضایت وی فاش نسازد (۱۳)؛ تعهد تلویحی یا صریح پزشک به عدم انتقال اطلاعات کلامی یا غیر کلامی بیمار بدون رضایت وی، به شخص دیگر (۱۳)؛ محرمانه تلقی کردن اطلاعات مربوط به مریض توسط پزشک (۱۴).

۲-۲- رازداری در اخلاق اسلامی: در آموزه‌های دینی از رازداری با عبارت‌های مختلفی هم‌چون: کتمان سر، عیب‌پوشی، تقیه یاد شده که منظور از آن، پوشاندن و افشا نکردن یک راز است (۱۵).

علامه ملامهدی نراقی در کتاب جامع السعادات در ارتباط با مفهوم راز و افشای آن، چنین می‌نویسد: «افشاء و اشاعه‌ی راز اعم از کشف و آشکار ساختن عیب است، زیرا راز گاهی از عیوب است و گاهی عیب نیست، لیکن انتشار آن موجب ایداء و اهانت به حق دوستان یا دیگر مسلمانان است و اگر منشأ آن عداوت باشد از رذایل غضب است و اگر سرچشمه‌ی آن سود مالی باشد از رذایل قوه‌ی شهوت به‌شمار می‌رود یا

کرده است (۲۲).

۱-۲- رازداری و دلایل تعهد پزشک به حفظ آن: هرچند در اصل ضرورت وجود رازداری تردیدی وجود ندارد، طرفداران این اصل، با رویکردهای مختلفی در صدد اثبات آن بر آمده‌اند:

الف) حفظ منافع بیمار: بر اساس این نگرش، رازداری باید به‌طور مطلق رعایت شود، زیرا نقض رازداری، سبب سلب اعتماد بیمار به پزشک شده، در نتیجه، بیمار یا به پزشک مراجعه نمی‌کند یا در صورت مراجعه، در دادن اطلاعات ضروری جهت درمان خود با وی همکاری نمی‌کند یا اجازه‌ی معاینه‌ی کامل نمی‌دهد؛ به همین جهت، پزشک قادر نخواهد بود که به تشخیص و پیش‌آگهی صحیحی از بیماری دست پیدا کرده، درمان مؤثر و کامل را ارائه کند و این چیزی نیست جز از بین رفتن منافع بیمار (۱۳).

ب) حفظ خودمختاری بیمار: بدون شک، احترام به شخصیت و استقلال فردی بیمار، وظیفه‌ی اخلاقی پزشک بوده و پیامد چنین اصل اخلاقی‌ای آن است که استفاده از اطلاعات شخصی فرد در حوزه‌ی اختیارات وی قرار داشته و نباید بدون اجازه‌ی او، برای دیگران بیان شود؛ از این رو، تنها بیمار حق دارد که در مورد ارائه‌ی اطلاعات خود به دیگران تصمیم‌گیری کند (۱۱). بنابراین، گرفتن رضایت آگاهانه و آزادانه از بیمار به منظور انتقال اطلاعات شخصی؛ کلینیکال و پاراکلینیکال وی ضروری و اخلاقی است.

ج) حفظ حریم خصوصی بیمار: اگرچه رازداری و حفظ حریم خصوصی معنای یکسانی ندارند، توجه به حریم خصوصی فرد، زمینه‌ای برای برقراری رازداری است (۲۱)؛ چرا که رازداری، حفظ حریم خصوصی اطلاعاتی افراد به‌حساب می‌آید (۱۳). حریم خصوصی مقوله‌ای چندضلعی است که حفاظت از آن لازمه‌ی یک زندگی مستقل، آزاد و شایسته‌ی شأن و ارزش افراد است (۲۳). بی‌احترامی به حریم خصوصی بیمار در سطح جامعه منجر به انگ‌های اجتماعی،

متوفای ۳۸۴ هـ) در پندنامه‌ی خود می‌نویسد: طبیب باید راز بیماران را محفوظ دارد و از افشای سرّ آن‌ها در نزد خودی و بیگانه و نزدیکان و دوران، دوری جوید، زیرا بسیاری از بیماران، بیماری خود را از پدر و مادر و کسان خود مستور و مکتوم می‌دارند، ولی آن را به طبیب می‌گویند (مانند دردهای رحمی و بواسیر و امثال آن‌ها)؛ پس طبیب باید در کتمان بیماری از خود بیمار بیش‌تر دقت کند (۳). Assaph، در قرن هفتم میلادی نیز در سوگندنامه‌ی خود ضمن تأکید بر رازداری، آن را چنین توضیح می‌دهد: هیچ‌یک از اسراری که به شما سپرده‌اند فاش نخواهید کرد و به هیچ قیمتی حاضر نخواهید شد موجب آزار یا تخریب شوید (۳).

در قرون متأخر نیز حفظ رازداری از جمله تعهدات پزشکان و کدهای اخلاق پزشکی ملی و بین‌المللی به‌حساب آمده است. به‌عنوان مثال، در معاهده‌ی ژنو (۱۹۴۸/۱۹۹۴) بر حفظ رازداری حتی پس از مرگ بیمار نیز تأکید شده است. اصل چهارم کدهای اخلاق پزشکی انجمن پزشکی آمریکا (AMA) تعهد پزشک به رعایت رازداری را بسیار ضروری دانسته است (۱۸). در راهنمای اخلاقی نیز با وجود چندین بار بازنگری، رازداری جایگاه خود را به‌عنوان یکی از عناصر اصلی حفظ کرده است (۱۹).

در اصول حفاظت از داده‌ها^۲ برگرفتن و پردازش منصفانه و قانونمند اطلاعات، تأکید و جمع‌آوری اطلاعات تنها به‌صورت هدفمند مجاز شده است. بر اساس این اصول، اطلاعات فردی باید بدون خطا و جهت دوره‌ی زمانی معینی، ذخیره شوند و افراد غیر مرتبط، بدون داشتن مجوز، حق دسترسی به آنها را نداشته باشند (۲۰).

تعهد پزشک به حفظ رازداری، در نظام قانون‌گذاری کشورها نیز لحاظ شده است (۲۱). قانون‌گذار ایران هم نقض رازداری را طبق ماده‌ی ۶۴۸ قانون مجازات اسلامی جرم تلقی

^۱ American medical association

^۲ Data protection principles

مذمت بیمار توسط اجتماع، تبعیض‌های شدید جامعه و در سطح زندگی شخصی منجر به مشکلات شدید خانوادگی می‌شود که آسیب‌های غیر قابل جبرانی را برای بیمار برجای خواهد گذاشت (۲۴).

راهنمای بین‌المللی در ارتباط با ایدز و حقوق بشر در سال ۲۰۰۶؛ انجام آزمایش اجباری ایدز را به‌علت از بین رفتن محرمانگی و حریم خصوصی مبتلایان منع کرده و دولت‌ها را موظف به محافظت از نتایج آزمایش افراد مبتلا کرده است (۲۵).

۳-۱- رازداری و محدوده‌ی آن: امروزه، در مراکز درمانی به‌طور روزمره، افشای راز بیمار، بدون رضایت وی به‌راحتی رخ می‌دهد که ناآگاهی پرسنل درمانی از چگونگی کنترل رفتارشان در حفظ رازداری، از عمده‌ترین علل مخدوش کننده‌ی آن است.

با این وجود، تردیدی نیست که عنصر زمان عاملی برای بی‌اثر شدن اصل لزوم رازداری و پرهیز از افشای راز بیمار نیست. حدود رازداری پزشکی از زمان نخستین معاینه‌ی بیمار توسط پزشک آغاز می‌شود و از نظر زمانی پایانی برای آن وجود ندارد (۲۶). اما پرسش اساسی برای متخصصان اخلاق پزشکی آن است که آیا صرف‌نظر از عنصر زمان، هیچ محدودیتی برای رازداری پزشکی وجود ندارد؟ در گذشته بیشتر متخصصان اخلاق پزشکی طرفدار رازداری مطلق بودند (۲۷). سوگندنامه‌های کهن پزشکی از جمله سوگندنامه‌ی بقراط، هم‌چنین اعلامیه‌ی ژنو، در هیچ شرایطی رازداری را قابل نقض نمی‌دانستند. در برابر، گروهی با تعیین شرایط ویژه، به نسبی بودن ممنوعیت افشای راز اعتقاد داشته و به همین خاطر در کدهای اخلاقی جدید نیز مطلق‌گرایی در رازداری لحاظ نشده است (۲۸).

در رازداری و افشای راز، همواره سه مصلحت باید از سوی پزشک مد نظر باشد: مصلحت بیمار، مصلحت اطرافیان بیمار و مصلحت جامعه (۲). در بیش‌تر مطالعات، بر لزوم

نقض رازداری به‌واسطه‌ی صدمه‌ی احتمالی آن به فرد سوم، نظیر همسر فرد مبتلا به ایدز، تأکید شده است (۲۹). در چنین موقعیتی، پزشک باید با ارزیابی دقیق وضعیت بیمار و اطرافیان او، هم‌چنین بررسی میزان خطر احتمالی ناشی از تعهد مطلق به رازداری؛ تصمیم به حفظ یا افشای راز بیمار بگیرد (۲۹).

مطالعات دیگری نیز مؤید تمایل اکثر افراد جامعه به افشای راز بیمار توسط پزشک؛ در موارد ناقض نظم اجتماع؛ هم‌چون کودک‌آزاری و اقرار بیمار به قصد خودکشی و دیگرکشی می‌باشد (۳۰).

سرانجام، از آنجا که پزشک به‌عنوان عضوی از جامعه، افزون بر تعهد حرفه‌ای نسبت به درمان بیماران خود، موظف به تأمین و حفظ سلامت سایر افراد جامعه نیز هست، باید گزارش بیماری و آگیردار بیمار خود را با انگیزه‌ی تعهد به حفظ سلامت جامعه، به مراکز مرتبط ارائه کند (۲۷).

بر این اساس، رعایت رازداری بدون شرط و همیشگی نبوده و در پاره‌ای از موارد، می‌توان آن را نقض کرد (۲۸) و چه بسا رازداری مطلق، آن‌گونه که در ماجرای Tarasoff رخ داد، موجب قربانی شدن افراد شود (۱۳).

علاوه بر عوامل ذکرشده، در موارد دیگری چون اعلام ولادت و وفات افراد، گواهی دادن در دادگاه، تصمیم بیمار به ارتکاب جرم، افشای سرّ در مقام دفاع از خود؛ افشای راز نه تنها جایز بلکه ضروری است (۲۲). اما در این موارد نیز افشای راز، از یک‌سو، تنها شامل اطلاعاتی می‌شود که برای جلوگیری از صدمه‌ی مورد انتظار، ضروری است و از سوی دیگر، تنها به کسانی گفته می‌شود که در جلوگیری از وارد شدن این صدمات، به آگاهی از آن احتیاج دارند؛ به‌گونه‌ای که به‌واسطه‌ی با خبر شدن دیگران، کم‌ترین آسیبی متوجه بیمار شده، رنجش وی به پایین‌ترین میزان ممکن خود برسد (۲).

۲- رازداری و جایگاه آن در اخلاق اسلامی

۲-۱- رازداری و تنوع رویکردها به آن: در منابع دینی مبین اسلام رازداری از دو منظر مورد بررسی قرار می‌گیرد:

گزند مجرمان حفظ می‌کند) (۱۵)؛ اما آنچه برای ما در این بحث اهمیت دارد، رازداری اخلاقی است.

رازداری که گاه از آن با عنوان «کتمان سر» نیز یاد می‌شود، از جمله فرامین اخلاقی دینی است که نقش بسزایی در سالم سازی محیط و حفظ آبروی افراد دارد و آن‌گاه که عنوان ستر گناه به خود می‌گیرد، از جمله واجبات دینی به حساب آمده، نقطه‌ی مقابل آن، یعنی «فاش ساختن گناهان دیگران» از گناهان بزرگ به‌شمار می‌آید (۱۵).

۲-۲- رازداری و تعهد افراد به آن: بدون شک، امانتداری از مهم‌ترین فضایل اخلاقی است. قرآن کریم، امانتداری را لازمه‌ی ایمان می‌داند^۱ و به همین جهت آن را از جمله ویژگی‌های برجسته‌ی مؤمنان شمرده و تمامی انسان‌ها را متعهد به حفظ و ادای آن دانسته است.^۲

رعایت امانتداری تنها منحصر به امور مادی نبوده و حفظ اسرار دیگران نیز نمونه‌ای از امانتداری است. پیامبر گرامی اسلام در این باره می‌فرماید: «مجالس امانت است و کسی حق ندارد کلام محرمانه‌ی دوست خود را بدون اجازه‌ی او بازگو کند. مگر هنگامی که شنونده مورد اعتماد باشد یا بیان خوبی آن دوست باشد» (۳۵).

با ملاحظه‌ی همین جهت است که علامه مجلسی می‌نویسد: «صحبت‌های خصوصی که در مجالس می‌شود یا نگفته پیدا است که گوینده میل ندارد فاش شود، حکم امانت را دارد و باید از افشای آن خودداری کرد» (۳۶).

قرآن کریم نیز تأکید می‌کند که^۳ امانتداری، یکی از مصادیق وفای به عهد است، زیرا مفهوم پذیرفتن امانت آن است که به شخص امانت‌گذار وعده داده می‌شود که هرگاه او خواست، آن امانت به وی بازگردانده شود (۳۷).

بنابراین، قبول امانت به منزله‌ی پیمانی دوطرفه است و

الف) رازداری از منظر تخصیص راز: راز در نظر اسلام به سه دسته تقسیم می‌شود: راز خود، راز دیگران، راز دینی. حفظ اسرار خود زمینه‌ای برای حفظ اسرار دیگران است، به‌گونه‌ای که امیرالمؤمنین (ع) می‌فرماید: «کسی که نتواند رازدار اسرار خود باشد، نمی‌تواند اسرار دیگران را نیز حفظ کند؛ آن‌کس که راز خود را پنهان دارد، اختیار آن در دست اوست» (۳۱).

حفظ اسرار دیگران نیز در منابع دینی به‌طور بسیار گسترده‌ای مورد تأکید قرار گرفته است، چنان‌چه پیامبر گرامی اسلام می‌فرماید: «کسی که راز برادر مسلمان خود را در دنیا بپوشاند و او را رسوا نکند، خداوند در دنیا و آخرت خطاهای او را می‌پوشاند» (۳۲).

حفظ اسرار دینی (اسرار خاندان پیامبر)، به‌عنوان دومین نشانه برای آزمایش شیعه بودن، به حساب آمده است (۳۳). اسرار خاندان پیامبر شامل: امامت آنها، وجوب اطاعت از آنان، معجزات ایشان، آگاهی آن‌ها از خبرهای غیبی؛ ظلم و ستم‌هایی که غاصبان خلافت بر ایشان روا داشته و هرآنچه سبب تحریک دشمنان در سرکوب شیعیان می‌شود، خواهد بود (۳۳). از امام صادق (ع) نقل شده است: «امر ما پوشیده و پنهان است - همان پیمانی که خداوند و پیامبر و امامان از مردم گرفته‌اند که راز ما را از نااهلان پاس دارند - پس هر کس آن پرده را به زیان ما پاره کند، خداوند او را خوار می‌کند» (۳۴). اهمیت حفظ اسرار امامان معصوم تا بدان‌جاست که امام صادق، کتمان سرّ اهل بیت را به منزله‌ی جهاد در راه خدا می‌داند (۳۴).

ب) رازداری از منظر حوزه‌ی رازداری: هرچند در منابع دینی رازداری در سه حوزه‌ی نظامی، عقیدتی و سیاسی مطرح شده و قرآن کریم در آیه‌ی ۲۷ سوره‌ی انفال افشاکنندگان اسرار نظامی را مورد نکوهش قرار داده و امامان معصوم نیز بر حفظ اسرار عقیدتی خود تأکید ورزیده‌اند (تقیه از بهترین اعمال مؤمن است که در پرتو آن خود و برادران دینی‌اش را از

^۱ انفال ۸/۲۷

^۲ نساء ۴/۵۸

^۳ بقره ۲/۱۰۰ و ۱۷۷، اسراء ۱۷/۳۴، مؤمنون ۲۳/۸، معارج ۷۰/۳۲

ادای امانت، وفای به آن عهد و خیانت در امانت، نقض آن عهد خواهد بود (۳۷).

۲-۳ - رازداری و دلایل تعهد افراد به حفظ آن

۱-۲-۳ - رازداری و منافع آن:

الف) رازداری و نقش آن در حفظ حیات انسان: نخستین و مهم‌ترین مصلحت هر انسانی در زندگی، حفظ جان اوست و به همین جهت، حق حیات و حفظ نفس، به‌طور طبیعی، بر دیگر حقوق انسان، تقدم دارد (۳۲).

تقیه به هنگام ضرورت، یک رازداری سیاسی و عقیدتی است که نه تنها نشان ناتوانی و تسلیم نیست بلکه سپری دفاعی در برابر دشمنان است. به همین دلیل پیامبر گرامی اسلام آن را با نماز مقایسه کرده، می‌فرماید: تارک التقیه کتارک الصلاه (۳۸). امام صادق نیز کشتن به ناحق پیامبران را که خداوند در آیه ۱۱۲ سوره آل عمران بیان می‌کند، به فراهم آوردن زمینه‌ی کشتن ایشان با فاش کردن سرشان معنا می‌کنند (۳۹).

ب) رازداری و نقش آن در سعادت دنیوی و اخروی انسان‌ها: در منابع دینی از رازپوشی به‌عنوان عاملی برای رسیدن به موفقیت یاد شده؛ امیرالمؤمنین (ع) می‌فرماید: «سعادت دنیا و آخرت در دو چیز جمع شده است: رازپوشی و دوستی با خوبان (۴۰)؛ پیروزی، به دوراندیشی و دور اندیشی در به‌کارگیری صحیح اندیشه و اندیشه‌ی صحیح به رازداری است (۳۱). در برابر، افشای اسرار، سبب دوری از موفقیت و حتی سقوط و شکست فرد در راه رسیدن به اهدافش می‌شود، چنان که امام صادق (ع) می‌فرماید: «برملا کردن راز، سبب سقوط است (۴۱)». مردم به کسی که رازدار نباشد، اعتماد نکرده و به همین خاطر، موقعیت‌های اجتماعی و شغلی خود را از دست خواهد داد؛ امانت‌داری موجب جلب روزی و خیانت موجب جلب فقر است (۴۲).

از سوی دیگر، رازداری موجب برخورداری از پاداش اخروی است؛ سه گروه در روز قیامت در سایه‌ی عرش

خداوند قرار دارند، روزی که سایه‌ای جز سایه‌ی او نیست ... کسی که اسرار برادر مسلمانش را پنهان کند (۴۳)، مؤمن به کمال نمی‌رسد مگر این‌که دارای سه ویژگی شود؛ ویژگی‌ای از خداوند، ویژگی‌ای از رسول خدا و ویژگی‌ای از ولی خدا. اما ویژگی خداوند، پرده‌پوشی است (۳۴).

۲-۳-۲ - رازداری و احترام به حق تصمیم‌گیری فرد: در بینش اسلامی راز هر انسان به‌عنوان امانتی است که به دیگری سپرده می‌شود و از این رو، مالکیت آن در اختیار فرد رازگو است؛ پس هیچ کس حق تصمیم‌گیری در ارتباط با افشای آن راز را نخواهد داشت. امانت‌داری در اسلام به اندازه‌ای مهم و ضروری است که هیچ عذری برای ترک آن پذیرفته نشده است. (۴۴). قرآن کریم نیز ابتدا لزوم امانت‌داری را به‌صورت قانونی کلی بیان کرده، سپس انسان‌ها را موظف به حفظ و ادای امانت می‌کند^۱. بر این اساس، می‌توان گفت که استقلال فرد در مدیریت بر راز خود و آزادی تصمیم‌گیری درباره‌ی آن، جزء حقوق فردی و ذاتی انسان بوده، رازداری سبب احترام گذاشتن به این حق است.

۳-۳-۲ - رازداری و حفظ حریم خصوصی دیگران: انسان مسلمان نباید بدون رضایت دیگری، وارد حریم شخصی وی شود و به همین دلیل، تصرف در ملک دیگران بدون اذن و رضایت آنها نه تنها از لحاظ فقهی؛ حرام (۴۵) بلکه به‌واسطه‌ی ارتباط آن با آزادی اشخاص، مسأله‌ای اخلاقی - اجتماعی است که عدم رعایت آن، پیامدهای سنگین‌تری از حکم تکلیفی حرمتش دارد (۴۶)؛ چنان‌چه در قرآن کریم آمده: ای مؤمنان به هیچ خانه‌ای جز خانه‌های خودتان، تا اجازه نگرفته و بر ساکنان آن سلام نکرده‌اید، وارد نشوید؛ چرا که این کار برای شما بهتر است، شاید که متذکر شوید. اگر کسی را در خانه نیافتید، وارد نشوید تا به شما اجازه داده شود. و اگر به شما گفته شد که «برگردید»، باز گردید که این

^۱ بقره/۱۷۷، اسراء/۱۷/۳۴

برای پاک‌ی شما بهتر است^۱.

در حریم خصوصی فرد، اطلاعاتی وجود دارد که ورود بدون اجازه و افشای آنها، مشکلات فردی و اجتماعی فراوانی را در پی خواهد داشت. از نظر اسلام، ورود به حریم خصوصی دیگران و تجسس در احوال و اسرار آنان، حوزه‌ای گسترده‌تر از افشای راز داشته، زمینه‌ساز ردابلی چون غیبت (۴۶)، بهتان (۴۶) و عیب‌جویی خواهد بود. رازداری از طریق حفظ حریم دیگران پیامدهای زیر را به دنبال خواهد داشت:

الف) حفظ حیثیت افراد در جامعه: از دیدگاه اسلام مهم‌ترین فایده‌ی رازداری اخلاقی، حفظ شخصیت افراد در جامعه است که پس از حق حیات؛ اساسی‌ترین حق انسان‌هاست (۳۲). عرض و آبروی مؤمن مانند خون و جان او محترم است و حریم مؤمن، حریم خداست؛ از این رو، هیچ‌کس نباید حریم مؤمن را در هم بشکند و هر چه می‌خواهد بگوید (۳۲).

ورود به حریم اطلاعات شخصی افراد و فراهم کردن زمینه‌ی لازم جهت افشای راز آنها با غیبت، تهمت و تجسس در عیوب دیگران، سبب از بین رفتن آبرو و حیثیت افراد در جامعه می‌شود. به همین خاطر، قرآن کریم در آیات متعدد خود، مسلمانان را از تهمت، غیبت و بیان عیوب دیگران نهی کرده^۲ و بر حفظ آبروی ایشان تأکید کرده است^۳. پیامبر گرامی اسلام فرمودند: «بالاترین ربا معامله کردن با آبروی مسلمان است (۴۶)». امام صادق نیز در این باره می‌فرماید: «هرکس در پی عیوب مردم باشد، خداوند عیوب او را دنبال می‌کند و هر کس خداوند، به دنبال عیش باشد، رسوایش می‌کند (۳۲)». از امیرالمؤمنین (ع) نقل است: «مبادا از افرادی باشید که فاش‌کننده‌ی رازها هستند ... بدان شما کسانی هستید که ... در صدد تفتیش عیوب مردم‌اند (۴۷)». هرچند در برابر هم قرار

گرفتن راز و عیب، هم‌چنین به‌کارگیری واژه‌ی آبرو، تداعی‌کننده‌ی این مطلب است که منظور از افشای راز در متون روایی، بر ملا کردن عیوب دیگران است؛ کاری که خداوند با توجه به نام ستار العیوب بودن خود، راضی به آن نیست (۳۲)؛ اما آن‌گونه که مرحوم نراقی نیز بر آن تأکید می‌کند، افشای راز اعم از اظهار عیوب مردم است و ملاک آن، هر آن چیزی است که افشای آن موجب آزار و اهانت دیگران شود (۱۶).

ب) ایجاد و تقویت روحیه‌ی اعتمادسازی در جامعه: آموزه‌های اسلام، ترویج‌دهنده‌ی اخلاق نیکو و تکالیف آن، حافظ انسجام اجتماعی است؛ از این رو، فردی‌ترین احکام اسلامی، هم‌چون نماز و روزه، جهت‌گیری اجتماعی نیز دارند. بر اساس چنین تفکری است که می‌توان از حقوق و تکالیف متقابل فرد و جامعه سخن به میان آورد.

هر انسان به‌عنوان عضوی از جامعه، دارای موقعیت خاصی است که باید به‌طور هم‌زمان از آن در راه تأمین مصالح و منافع خود و جامعه استفاده کند. افشای راز افراد جامعه، از یک‌سو، سبب می‌شود تا آنان بهره‌وری خود را در جامعه از دست داده، جامعه از رهگذر آن، زیان کند و از سوی دیگر، با بر هم خوردن تعادل روحی - روانی خود آن فرد، آثار سوء اخلاقی و رفتاری بر وی بگذارد (۱۶) که یکی از کم‌ترین آن‌ها، از بین رفتن حس همیاری و همزیستی اجتماعی خواهد بود (۱۶). شاید با ملاحظه‌ی همین جهت باشد که در آموزه‌های دینی بر کنترل زبان تأکید فراوان شده است (۴۸).

۴-۲ - رازداری و محدوده‌ی نقض آن: افشای راز در منابع دینی، کار حرامی شناخته شده است. عبدالله بن سنان می‌گوید: از امام صادق (ع) پرسیدم: «گفته شده که عورت مؤمن بر مؤمن حرام است؟ فرمود: بلی؛ گفتم: مراد اندام‌های جنسی اوست؟ فرمود: نه، فاش کردن سر اوست (۱۶)».

با این وجود، پیروی فرامین الهی از سود و زیان واقعی، سبب شده تا در منابع دینی برای ضرورت رازداری،

^۱ نور ۲۴/۲۷ و ۲۸

^۲ همزه ۱/۱۰۴، احزاب ۵۸/۳۳، حجرات ۱۲/۴۹

^۳ نور ۲۴/۱۷ و ۱۹

استثناءهایی مطرح شده، نقض رازداری در برخی موارد روا شمرده شود.

۱-۴-۲- روایی نقض رازداری نسبت به دیگران: از بررسی آموزه‌های دینی چنین بر می‌آید که دست کم در سه مورد، می‌توان راز دیگران را افشا کرد:

الف) مشورت: اگر مصلحت مشورت‌کننده، متوقف بر بازگوکردن عیب دیگری باشد، بیان این عیب و افشای آن برای مشورت‌کننده، اشکال اخلاقی و دینی ندارد (۳۲).

ب) مصالح عمومی: در جایی که مصلحت جامعه، منوط به تجسس درباره‌ی اسرار یا ذکر عیب‌های کسی باشد؛ هم‌چون واگذاری برخی از مسؤولیت‌های مهم به افراد؛ نباید به حُسن ظن ظاهری اکتفا کرده، لازم است در انتخاب وی دقت کافی انجام شود (۳۲).

ج) حفظ جان دیگران: هرگاه حفظ جان انسانی، منوط به افشاکاری باشد؛ باید پرده‌ی سکوت را پاره کرد. امام باقر (ع) در این باره می‌فرماید: «تقیه تنها برای جلوگیری از خونریزی وضع شده، پس هرگاه به خونریزی رسید، تقیه جایز نیست (۴۹)». هم‌چنین، در حدیث دیگری پیامبر گرامی اسلام، اصل کلی وجوب حفظ راز دیگران و موارد افشای راز آنان را چنین توضیح می‌دهد: «آنچه در مجلس می‌گذرد، نزد اهل آن مجلس امانت است و نباید فاش شود مگر سه چیز: ریخته شدن خون مسلمانی که به ناحق کشته شود، رابطه‌ی نامشروع و بردن مالی که بردنش حلال نیست (۵۰)».

۲-۴-۲- روایی نقض رازداری نسبت به خود: افشای راز خود نیز هرچند از اصل کلی ناروایی افشای راز پیروی می‌کند، اما در مواردی نیز ناپسند نبوده، می‌تواند مطلوب هم باشد.

به‌عنوان مثال، گاه لازم است به منظور رهایی از احساسات ناخوشایند، فرد راز خود را برای دیگری فاش کند (۵۱). البته باید توجه داشت که واگویی راز برای آن‌دسته از افرادی روا است که شایستگی لازم برای حفظ آن را داشته باشند؛ به

همین خاطر امیرالمؤمنین می‌فرماید: «سینه‌ی خردمند صندوق راز اوست (۳۴)؛ به نادان مگوی چیزی را که طاق‌ت پنهان کردن آن را ندارد (۵۲)». چهار چیز هدر می‌شوند ... گفتن راز به کسی که رازدار نیست (۵۳). البته همان‌گونه که هیچ فردی مجاز نیست راز خود را جز برای افراد شایسته واگو کند، دیگران نیز مجاز نیستند بدون خواست فرد، خود را وارد راز او کنند که اگر چنین کنند، جایگاه اجتماعی خود را از دست خواهند داد؛ پیامبر گرامی اسلام در سفارشی به امیرالمؤمنین می‌فرماید: «یا علی، هشت گروه هستند که چون دیگران به آنان امانت کنند، جز خود نباید کسی را نکوهش کنند ... کسی که در راز میان دو نفر بدون اجازه‌ی آن‌ها وارد می‌شود (۵۴)».

۳-۴-۲- رازداری و معیار نقض آن: بدون شک نباید در رازداری و نقطه‌ی مقابل آن، افشای راز خود یا دیگران، راه افراط یا تفریط را بیماییم. امام صادق (ع) در مقام بیان ضابطه‌ی افشای راز می‌فرماید: «دوستت را از رازی با خبر کن که اگر دشمنت بر آن دست یابد، به تو زیانی نرساند، چرا که دوستت، ممکن است روزی دشمن تو شود (۳۴)».

برای پابندی به چنین معیاری، باید بتوانیم مخاطب خود را به شکلی صحیح انتخاب کنیم. این ملاحظه‌ی اخلاقی را در رابطه‌ی میان خداوند و بندگانش به‌خوبی می‌توان دریافت، آن جا که قرآن کریم در آیات ۲۶ و ۲۷ سوره‌ی جن خداوند را چنین می‌ستاید: خداوند عالم به غیب است و هیچ‌کس را بر غیث مطلع نمی‌سازد مگر کسی را که بپسندد و از وی راضی باشد که همان پیامبران هستند.^۱

هم‌چنان که قرآن کریم، این ملاحظه‌ی اخلاقی را در افشای راز خود و جامعه به دشمن در آیه‌ی ۱۱۸ سوره‌ی آل عمران چنین بیان می‌کند: ای مؤمنان، از غیر خود (دشمنان)، محرم راز انتخاب نکنید، زیرا آن‌ها درباره‌ی شما از هیچ بدی و فساد کوتاهی نمی‌کنند. آن‌ها دوست دارند که شما در رنج

^۱ جن ۲۶/۷۲ و ۲۷

و سختی باشید. دشمنی از سخن آن‌ها آشکار است، اما آنچه در دل پنهان می‌کنند، مهم‌تر است.

بحث

امروزه، پیشرفت‌های نوین پزشکی در دستیابی به تکنیک‌های تشخیص و درمان، هم‌چون پروژه‌ی ژنوم انسانی، تله‌مدیسین و روش‌های مدرن فناوری اطلاعات در ثبت الکترونیکی پرونده‌های بیمار، ضرورت توجه به حفظ رازداری را بیش از پیش کرده است. عدم اتخاذ تدابیر لازم جهت این ملاحظه‌ی اخلاقی، سبب شکست فرایند درمان و بروز مشکلات اخلاقی فراوانی برای بیماران خواهد شد.

گستره‌ی رازداری: آن گونه که پیش‌تر گذشت، رازداری در اخلاق اسلامی حوزه‌ی گسترده‌تری نسبت به رازداری پزشکی دارد، زیرا منابع دینی رازداری را از بعد تخصیص راز، به سه نوع راز خود، راز دیگری و راز دینی و از حوزه‌ی رازداری به سه نوع نظامی، عقیدتی و اخلاقی تقسیم و مورد بحث قرار داده است؛ اما در اخلاق پزشکی راز بیش‌تر در بعد راز دیگری (راز بیمار) و تنها در حوزه‌ی اخلاقی مورد بررسی قرار گرفته است.

پایبندی به رازداری: مقایسه‌ی رازداری در اخلاق اسلامی و اخلاق پزشکی نشان می‌دهد که هر دو دیدگاه، افراد را متعهد به حفظ راز می‌دانند و رعایت رازداری را یکی از مصادیق پایبندی به عهد دانسته‌اند. در اخلاق اسلامی، راز مصادق امانت بوده و خیانت در تعهد به ادای امانت، حرام است. هم‌چنین رعایت عهد، یکی از مصادیق بارز صلاح، معروف و عدالت است؛ چنان که پیمان‌شکنی و نقض عهد و خیانت در امانت نیز از مصادیق آشکار ظلم، منکر و فساد است (۳۲).

پیامد اجتماعی رازداری: یکی از اصول اساسی تعهد به حفظ رازداری در اخلاق اسلامی، جلب اعتماد عمومی است، چرا که در صورت نبود این اعتماد، انسجام اجتماعی از بین خواهد رفت. مهم‌ترین توجیه اخلاقی در حفظ رازداری در

پزشکی نیز حفظ اعتماد کامل بیمار به پزشک است و بر این اساس، هر بیمار در هنگام مراجعه به پزشک، به‌گونه‌ای ضمنی، رضایت دارد که اطلاعات شخصی مرتبط با بیماری وی توسط تیم درمانگر مورد بررسی قرار گیرد. از این رو، رازداری نخستین گام در شروع یک رابطه‌ی صمیمی بین پزشک (کادر درمانی) و بیمار خواهد بود (۱۹). چنان‌چه بیمار متوجه شود که اطلاعات او حفظ نمی‌شود، به کادر درمانی اعتماد نکرده و ارتباط مناسب با آنان برقرار نمی‌کند و درمان وی نیز نتیجه‌ی مناسب را نخواهد داشت.

پیامد فردی رازداری: رازداری پزشک علاوه بر جلب اعتماد بیمار و در برداشتن کسب بهترین نتیجه، ضامن احترام به حق آزادی و حفظ خودمختاری بیمار (اتونومی) و استقلال وی در مدیریت اطلاعات شخصی خود است. پزشک نباید اطلاعات خصوصی بیمار را بدون رضایت وی در اختیار دیگران قرار دهد. رعایت این امر به‌خصوص در بیماری‌های عفونی مقاربتی، بیماران روانی و اعتیاد از حساسیت بیش‌تری برخوردار است؛ چرا که با افشای نسنجیده و نابجای یک راز؛ زندگی بیمار آسیب جدی می‌بیند. از این رو، اطلاع‌رسانی به همسر بیمار آلوده به ویروس ایدز، به یکی از مشکلات اخلاقی شایع در حوزه‌ی پزشکی تبدیل شده است (۲۹).

اسلام نیز برملا کردن راز افراد را مصادق خیانت در امانت دانسته و مدیریت آن را فقط در محدوده‌ی اختیارات خود فرد در نظر گرفته است. بر اساس آموزه‌های اخلاق اسلامی، ورود به حریم خصوصی افراد تنها با اجازه‌ی آنان جایز شمرده شده است^۱ چرا که افراد یک جامعه، غیر از آن که باید تأمین جانی داشته باشند، باید آبرو و کرامتشان نیز در جامعه محفوظ بماند.

مطلق نبودن رازداری: اگرچه افشای راز از دیدگاه اخلاق اسلامی حرام و از نگاه اخلاق پزشکی نکوهیده و ناپسند

^۱ نور ۲۴/۲۷ و ۲۸

است، هر دو دیدگاه تصریح دارند که رازداری مطلق نبوده و در شرایط خاص، قابل نقض است. علت این امر از نگاه اخلاق اسلامی؛ مصلحت‌اندیشی اسلام و رعایت تعادل در ملاحظات اخلاقی در دو سطح اجتماعی و فردی است؛ در اخلاق پزشکی نیز تعهد پزشک به حفظ تعادل بین تأمین منافع درمانی - بهداشتی فرد و جامعه او را ملزم به حفظ رازداری یا افشای آن می‌کند. بر این اساس، هرچند اصول اخلاقی در گذر زمان تغییر نکرده‌اند، رفتار اخلاقی مبتنی بر آن اصول، با پیشرفت دانش پزشکی و تحولات اجتماعی قرن اخیر، تغییر شکل یافته و رازداری مطلق به رازداری نسبی تبدیل شده است.

تأثیر باورهای مذهبی؛ بدون شک باورهای مذهبی کادر درمانی در رازداری یا افشای راز بیمار بسیار اهمیت دارد. مطالعات نشان می‌دهد پزشکانی که دارای نگرش مذهبی هستند به رعایت رازداری توجه بیش‌تری دارند (۵۵).

در نظام اخلاق پزشکی غیر دینی، رازداری تنها به‌عنوان رفتاری حرفه‌ای مورد نظر بوده، کنترل خارجی پرسنل در کارآمدی آن نقش بسزایی دارد و به همین دلیل، فاقد تأثیر دائمی است. اما بر اساس آموزه‌های اخلاق اسلامی، افراد از یکسو به کنترل زبان و گفتار خود فرمان داده می‌شوند و از سوی دیگر، اصلاح انگیزش‌های درونی و رصد منشأ رفتارهای آنان نیز مد نظر است؛ از این رو، پایبندی به ارزش‌های اخلاقی، هم‌چون پرهیز از غیبت، تهمت و عیب‌جویی، عدم تجسس در امور شخصی مردم و وارد شدن به حوزه‌ی شخصی افراد، مراقبت در هنگام صحبت کردن و به‌طور کلی، داشتن تقوای الهی؛ در جلوگیری از افشای اسرار دیگران و حفظ رازداری تأثیر بسزایی دارد، چرا که افشای غیر موجه اسرار دیگران، نشانه‌ی وجود این رذایل اخلاقی نفسانی است.

علاوه بر این، از منظر اخلاق اسلامی رازداری عامل سعادت اخروی انسان نیز محسوب می‌گردد، چرا که فرد

دیندار می‌داند هر عملی که در این دنیا انجام دهد، بازتاب آن را در جهان دیگر نیز دریافت خواهد کرد. به همین خاطر، تمایل و انگیزه بیش‌تری برای انجام اعمال اخلاقی پیدا می‌کند.

پیوستگی انگیزه و رفتار؛ در اخلاق اسلامی، انگیزه و رفتار انسان به همراه هم در نظر گرفته می‌شوند و حالات نفسانی، مهم‌ترین عامل در شکل‌گیری این انگیزه و رفتار است.

علامه نراقی ارتباط میان نیت و رفتار فرد را در مورد افشای راز این‌گونه تحلیل می‌کند: اگر منشأ افشای راز عداوت باشد از رذایل قوه‌ی غضب است و اگر سرچشمه‌ی آن سود مالی باشد از رذایل قوه‌ی شهوت به‌شمار می‌رود یا ممکن است صرفاً ناشی از خبثت نفس باشد و به هر حال مذموم و مورد نهی است (۴۷).

مرحوم مجلسی نیز پیوند میان انگیزه و ویژگی‌های نفسانی انسان را چنین تبیین می‌کند: تصحیح نیت از مشکل‌ترین اعمال انسان است زیرا نیت تابع حالت نفسانی است (۴۹). با ملاحظه‌ی همین پیوستگی است که در منابع اخلاق اسلامی خُلق چنین تعریف شده است: حالت نفسانی است که انسان را به انجام کارهایی دعوت می‌کند، بی‌آن‌که نیاز به تفکر و اندیشه داشته باشد (۵۶)؛ خلق ملکه‌ای بود نفس را مقتضی سهولت فعلی از او بی‌احتیاج به فکری و رؤیتی (۵۷)؛ بدان که خوی عبارت است از هیأتی استوار با نفس که افعال به آسانی و بدون نیاز به فکر و اندیشه از آن صادر شود (۵۸)؛ خلق ملکه‌ای است نفسانی که مقتضی سهولت صدور افعال از نفس بدون نیاز به فکر و تأمل است (۵۸).

اما در اخلاق پزشکی که با رویکردی حرفه‌ای و غیردینی تدوین شده است، تنها رفتار کادر درمانی مورد ارزیابی قرار می‌گیرد و به انگیزه و حالات نفسانی آنان توجهی نمی‌شود. بر این اساس، تأثیرگذاری اخلاق اسلامی عمیق‌تر و پایاتر بوده و نیاز به مهار بیرونی ندارد.

نتیجه گیری

اخلاق اسلامی را نه تنها نمی توان از شؤون زندگانی فردی و اجتماعی خود حذف کرد، بلکه داشتن نگرش مذهبی، خود عاملی اساسی در رعایت بیش از پیش اصول اخلاق حرفه ای است. با توجه به غنای اخلاق اسلامی، ضروری به نظر می رسد تا مبانی رازداری پزشکی از نظر اخلاق اسلامی به فراگیران حرفه ای پزشکی آموزش داده شود تا با ایجاد نگرش صحیح نسبت به آن، رازداری در عملکرد حرفه ای آنان نهادینه شود. با مقایسه ای جایگاه رازداری در اخلاق پزشکی و اسلامی می توان نتیجه گرفت:

- راز بیمار امانتی از سوی وی و پزشک متعهد به حفظ آن است و عدم رعایت آن، خیانت در حق آزادی و استقلال (اتونومی) و تجاوز به حریم خصوصی بیمار محسوب می شود که نتیجه ای جز بی اعتمادی بیمار به پزشک و عدم ارتباط مؤثر و صمیمی میان آن ها به دنبال ندارد.

- رازداری پزشکی نیز یکی از مصادیق وفای به عهد بوده که تأمین کننده ی مصالح بهداشتی درمانی فرد و جامعه است.

- رازداری امر مطلق نبوده، می توان آن را بر اساس مصالح و مفاسد فردی و اجتماعی نقض کرد.

در پایان یاد آور می شود که رعایت کامل رازداری، علاوه بر آموزش، نیازمند تمرین و ممارست است تا به ملکه ای نفسانی تبدیل شده، در اعماق روح کادر درمانی جای گیرد. از این رو و با توجه به تدریجی بودن روند تربیت پذیری انسان، ضروری است مبانی نظری لزوم رعایت رازداری، عوامل مؤثر در رازدار نبودن و راهکارهای عملی برای جلوگیری از افشای راز دیگران از پیش از آغاز آموزش پزشکی به افراد آموخته شود تا با کسب مهارت های لازم در این زمینه، در هنگام درمان بیماران، رازداری خود را حفظ کنند.

منابع

- 1- Lloyd M, Bor R. Communication Skills for Medicine, 2nd edition. London, Churchill Livingstone; 2004, p. 43.
- ۲- لاریجانی ب. پزشک و ملاحظات اخلاقی، چاپ اول. تهران: برای فردا؛ ۱۳۸۳، جلد اول، ص ۲۸-۲۷.
- ۳- اعتمادیان م. اخلاق و آداب پزشکی، چاپ اول. تهران: انتشارات دانشگاه تهران؛ ۱۳۴۲، ص ۴۱-۱۵.
- 4- Anonymous. The Hippocratic Oath. http://en.wikipedia.org/wiki/hippocratic_oath (accessed in 2012).
- ۵- آمدی ع. غررالحکم و دررالکلم. قم: دفتر تبلیغات؛ ۱۳۶۶، ص ۴۸۴، شماره ۱۱۸۹- ص ۴۸۴ شماره ۱۱۹۰.
- 6- Nixon L, Paola F, Walker R. Medical Ethics and Humanities. MA: Jones and Bartletter Publishers; 2010, p. 145-160.
- ۷- دهخدا ع ا. لغت نامه دهخدا. تهران: انتشارات دانشگاه تهران؛ ۱۳۴۲، جلد ۲۵، ص ۴۴-۴۰ و جلد ۷، ص ۲۷.
- ۸- طریحی ف، مجمع البحرین، چاپ سوم. تصحیح حسینی س.ا. تهران: کتابفروشی مرتضوی؛ ۱۴۱۶ ه.ق، جلد ۳، ص ۳۲۸-۳۲۹.
- ۹- لنگرودی جعفری م. ترمینولوژی حقوق. تهران: گنج دانش؛ ۱۳۸۰، ص ۳۵۶.
- ۱۰- آریان پور م. فرهنگ گسترده پیشرو آریان پور. تهران: جهان رایانه؛ ۱۳۷۸، جلد دوم، ص ۴۶۸.
- ۱۱- زالی م. مبانی نوین ارتباط پزشک و بیمار. تهران: حقوقی - مؤسسه فرهنگی حقوقی سینا؛ ۱۳۸۶، ص ۴۰.
- 12- Anonymous. Confidentiality, ethics topic in medicine. <http://depts.washington.edu/bioethx/topics/confide.html> (accessed in 2012).
- 13- Beauchamp T, Childress J. Principles of Biomedical Ethics, 6th ed. New York: Oxford University Press; 2009, p. 302-9.
- ۱۴- لاریجانی ب. پزشک و ملاحظات اخلاقی. چاپ اول، تهران: برای فردا؛ ۱۳۸۳، جلد دوم، ص ۷۴.
- ۱۵- اشتهاوردی م، عبدوس م. آموزه های اخلاقی - رفتاری

۲۷- اشرفی م. اخلاق پزشکی و سوء رفتار حرفه‌ای، چاپ اول. تهران: دانشگاه علوم پزشکی و خدمات درمانی ایران؛ ۱۳۴۸، ص ۱۶۱.

28- Anonymous. Confidentiality. http://www.gmc-uk.org/static/documents/content/Confidentiality_0910.pdf (accessed in 2012).

29- Njozing BN, Edin KE, Sebastián MS, Hurtig AN. "If the patients decide not to tell what can we do?"- TB/HIV counsellors' dilemma on partner notification for HIV. BMC Int Health Hum Right; 2011; 11(6): 3-11.

30- Jones C. The utilitarian argument for medical confidentiality: a pilot study of patients views. J Med Ethics 2003; 29(6): 348-52.

۳۱- ترجمه نهج البلاغه. دشتی م. دارالبشارت، ۱۳۸۸، ص ۵۱۷.

۳۲- مصباح یزدی م. اخلاق در قرآن (مشکات). چاپ اول. قم: مرکز انتشارات مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (ره)؛ ۱۳۸۴، جلد سوم، ص ۱۶۷-۱۵۰، ۲۱۰، ۱۹۰-۱۸۰.

۳۳- محلاتی م. چهل حدیث. تهران: دفتر نشر فرهنگ اسلامی تهران؛ ۱۳۸۵، جلد ۲، ص ۱۹۴.

۳۴- کمالی علی. همزیستی و معاشرت در اسلام. چاپ اول، تهران: انتشارات اسوه؛ ۱۳۷۱، ص ۲۷۹-۲۷۶.

۳۵- مجلسی م ب. بحارالانوار. تهران: المكتبة الإسلامية؛ ۱۳۹۲، جلد ۷۷، ص ۸۹.

۳۶- کلینی ث. اصول کافی. ترجمه‌ی رسولی س. تهران: نشر فرهنگ اهل بیت (ع)؛ ۱۳۷۹، جلد ۴، ص ۷۸، ۴۸۰.

۳۷- مصباح یزدی م. رستگاران، چاپ اول. قم: انتشارات مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (ره)؛ ۱۳۸۶، ص ۱۰۶.

۳۸- مجلسی م ب. بحارالانوار. تهران: المكتبة الإسلامية؛ ۱۳۹۲، جلد ۷۵، ص ۴۱۲.

۳۹- مجلسی م ب. بحارالانوار. تهران: المكتبة الإسلامية؛ ۱۳۹۲، جلد ۷۴، ص ۱۷۸.

۴۰- مجلسی م ب. بحارالانوار. تهران: المكتبة الإسلامية؛ ۱۳۹۲، جلد ۷۸، ص ۲۳۹.

امامان شیعه (ع)، چاپ دوم. قم: مؤسسه بوستان کتاب قم؛ ۱۳۸۴، ص ۷۰۵-۶۹۲.

۱۶- نراقی م. جامعه السعادات، چاپ دوم. ترجمه‌ی فیضی ک. قم: انتشارات قائم آل محمد (عج)؛ ۱۳۸۸، جلد دوم، ص ۱۲۴-۱۲۳، ۲۲۲-۲۱۴.

۱۷- شبیر س.ع. الاخلاق، چاپ پانزدهم. ترجمه‌ی جباران م. قم: انتشارات هجرت؛ ۱۳۸۹، ص ۲۳۲.

18- Anonymous. AMA code of medical ethics Principles of medical ethical ethics. <http://www.ama-assn.org/ama/pub/physician-resources/medical-ethics/code-medical-ethics/principles-medical-ethics.page> (accessed in 2012).

19- Blank L, Kimball H, McDonald W, et al. Medical professionalism in the new millennium: a physician charter 15 months later. Ann Intern Med 2003; 138(1): 839-41.

20- Anonymous. Data protection principle-Guide to data protection -ICO. http://www.ico.gov.uk/for_organisations/data_protection/the_guide/the_principles.aspx. (accessed in 2012).

۲۱- پارسا م. حریم خصوصی و رازداری پزشکی و جنبه‌های آن. مجله ایرانی اخلاق و تاریخ پزشکی. ۱۳۸۸؛ دوره دوم (شماره ۴): ۱۴-۱.

۲۲- عباسی م. مجموعه مقالات حقوق پزشکی، چاپ دوم. تهران: انتشارات حقوقی؛ ۱۳۸۳، جلد ۳، ص ۱۲۴ و ۱۴۰.

23- Rössler B. The Value of Privacy. Polity; 2004. p. 50.

24- Cianelli R, Ferrer L, Norr KF, et al. Stigma related to HIV among community health workers in Chile. Stigma Res Action 2011; 1(1): 3-10.

25- Anonymous. International guidelines on HIV/AIDS human rights 2006 consolidated version. http://data.unaids.org/Publications/IRC-pub07/jc1252-internguidelines_en.pdf (accessed in 2012).

۲۶- جواد پور م، طیبی جبلی م، راعی م. بررسی رازداری پزشکی در فقه و حقوق. فصلنامه حقوق پزشکی ۱۳۸۹؛ دوره ۴ (شماره ۱۳): ۱۳۸.

- ۴۱- میرزایی ع. نهج الفصاحه. قم: انتشارات عصر جوان؛ ۱۳۸۵، ص ۷۴.
- ۴۲- الحر العاملي م. وسائل الشيعه الى تحصيل الشريعة. بيروت: دارالحياة القرات العربی؛ ۱۳۷۶، جلد ۱۴، ص ۲۷.
- ۴۳- عبدالله زاده م. گفتار معصومین - درس های اخلاقی آیت الله مکارم شیرازی، چاپ اول. قم: مدرسه الامام علی بن ابیطالب (ع)؛ ۱۳۷۱، ص ۴۵ و ۱۹۳.
- ۴۴- حلی ح. منتهی المطب فی تحقیق المذهب. مشهد: مجمع البحوث الاسلامیه؛ ۱۴۱۲ ه. ق، جلد ۴، ص ۲۲۹.
- ۴۵- مهدوی کنی م. نقطه های آغاز در اخلاق عملی، چاپ چهارم. تهران: نشر فرهنگ اسلامی؛ ۱۳۷۴، ص ۵۷۹، ص ۱۴۴- ۱۳۸ و ص ۲۲۳.
- ۴۶- نراقی ا. معراج السعاده، چاپ دوازدهم. قم: ناشر مؤسسه انتشارات هجرت؛ ۱۳۸۵، ص ۵۲۷.
- ۴۷- مشایخی ق. حقوق از دیدگاه امام سجاد (ع) "شرح رساله الحقوق"، چاپ سوم. قم: انتشارات انصاریان؛ ۱۳۸۵، ص ۸۹- ۸۷.
- ۴۸- کلینی ث. اصول کافی. ترجمه ی رسولی س. تهران: نشر فرهنگ اهل بیت (ع)، ۱۳۷۹، جلد ۳، ص ۳۱۲.
- ۴۹- دستغیب س. ع. گناهان کبیره ۱-۲، چاپ بیست و یکم. قم: دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم؛ ۱۳۸۶، جلد اول، ص ۳۵۷.
- ۵۰- استوتزل ژ. روانشناسی اجتماعی، چاپ چهارم. ترجمه ی کاردان ع. تهران: انتشارات دانشگاه تهران؛ ۱۳۶۸، ص ۲۷۸.
- ۵۱- خوانساری ج م. شرح غررالحکم و دررالکلم. تهران: انتشارات دانشگاه تهران؛ ۱۳۴۱، جلد ۶، ص ۲۸۴.
- ۵۲- ابن بابویه م. الخصال. قم: جامعه مدرسین، ۱۳۶۲، جلد ۱، ص ۲۶۴، شماره ۱۴۴؛ ص ۱۴۱، شماره ۱۶۲.
- ۵۳- ابن بابویه م. الخصال. قم: جامعه مدرسین، ۱۳۶۲، جلد ۲، ص ۴۱۰، شماره ۱۲.
- 54- Lawrence RE, Rasinsli KA, Yon JD, Curlin FA. Adolescents, contraception and confidentiality: a national survey of obstetrician-gynecologists. Contraception 2011; 84(3): 259-65.
- ۵۵- ابن مسکویه ا. تهذیب الاخلاق و تطهیر الاعراق. بیروت: دارمکتبه الحیاء؛ ۱۹۶۱ م، ص ۵۱.
- ۵۶- طوسی خ. اخلاق ناصری. تصحیح مینویی م، حیدری ع. ر. تهران: خوارزمی؛ ۱۳۶۴، ص ۱۰۱.
- ۵۷- فیض کاشانی م. المهجۃ البیضاء فی تهذیب الاحیاء، چاپ دوم. تصحیح غفاری ع. ا. قم: مؤسسه النشر الاسلامی؛ بی تا، جلد ۵، ص ۹۵.
- ۵۸- لاهیجی ع. گوهر مراد. تهران: سازمان چاپ و انتشارات فرهنگ و ارشاد اسلامی؛ ۱۳۷۲، ص ۶۷۷.

Confidentiality: a comparative study between medical ethics principles and Islamic ethics

Saeid Nazari Tavakoli¹, Nasrin Nejadsarvari^{*2}

¹Assistant Professor, Faculty of Theology, University of Tehran, Tehran, Iran;

² Medical Ethics PhD Student, Ethics Law and Medicine Research Center, Shahid Beheshti University, Tehran, Iran.

Abstract

Confidentiality is one of the oldest principles of the medical profession that impacts on the relationship between physician and patient, the personal interests of patient and physician and consequently social welfare. While emphasizing the necessity of confidentiality, religious teachings consider disclosure of others' secrets a sin that deserves punishment thereafter. Nowadays, medical developments and the invention of new diagnostic and therapeutic procedures as well as the vastness of the informatics world make disclosure of patients' secrets easier than ever. This review article is the result of a descriptive study, and the information was collected using reliable library and internet resources. It will first expound the concepts and principles of confidentiality in medical ethics as well as Islamic ethics, and will then proceed to a comparative review of the similarities and differences in these two sets of ethical views on the issue of confidentiality.

In addition to the emphasis of medical ethics and Islamic ethics on the necessity of confidentiality in order to win public trust, both sets of teachings cover two areas of personal and public discretion, while in Islamic ethics, the issue extends to a third from, namely religious confidentiality. This makes Islamic ethics more comprehensive in the sense that based on Islamic teachings, the person who keeps someone's secret will also be rewarded in the Hereafter. Also, in medical ethics, only the behavior of the health staff is evaluated and their moods and motives are not taken into consideration, while Islamic ethics pays attention to human dispositions and therefore confidentiality is more stable and can maintain its efficiency without external supervision.

Keywords: secrecy, medical confidentiality, medical ethics, Islamic ethics

*Email: n-nejadsarvari@farabi.tums.ac.ir